شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۳شنبه ۱۶ ۱۰ ۹۹

۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+۴ صفحه+۴ صفحه ورزشی

۱۶ صفحه شهرآرا محله+۴ صفحه لینک

شماره ۳۲۹۳ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

حدیث روز

بزرگترین حسن فقر بعد از دولت، شناختن و تمیز دوستان از دشمنان است.

امام علی(ع)

رطوبت هوا ۷۳٪	۴°↑ -۳°↓
صبح -۲°	ظهر ۳°
عصر ۰°	شب -۲°

- اذان ظهر ۱۱:۳۷
- غروب آفتاب ۱۶:۳۰
- اذان مغرب ۱۶:۵۱
- نیمه شب شرعی ۲۲:۵۲
- اذان صبح فردا ۵:۱۳
- طلوع آفتاب فردا ۶:۴۴

جای دوتر

تولدت مبارک، آقای نویسنده!

کیارنگ علایی
نویسنده و عکاس

یکم ژانویه برابر بود با یکصدودومین سالگرد تولد «جروم دیوید سالینجر». به این بهانه، به این موضوع می‌پردازم که چرا سالینجر نویسنده مهمی است و چرا باید آثار سالینجر را خواند؟ از هر زاویه‌ای که نگاه کنیم، سالینجر نویسنده‌ای غریب است؛ روایت‌های غیرخطی، تقطیع و زمان‌بندی‌های نامتعارف داستان‌ها که جایی به سنت اصیل داستان‌نویسی آمریکایی متعلق است و زمانی، ویژگی‌های پست‌مدرنیستی را در خود می‌بیند، روابط احساسی کوتاه‌مدت نویسنده که پاشنه آشیل آن، معصومیت دخترانی بود که سر راه سالینجر قرار می‌گرفتند و آدم‌های سالینجر که عصیانگری و فردیت را توامان در خود دارند. خانواده گلس و همه اعضایش، شواهدی از خود رنج‌کشیده سالینجرند و در جهانی که در بی‌اخلاقی دست‌وپا می‌زند، محبت و آرامش ناممکنی را طلب می‌کنند که به‌سادگی به‌دست نمی‌آید. کودکانش به جایی ورای این دنیای زمینی وصلند. آن‌ها تداوم معصومیتی هستند که دنیا هر روز دارد از دست می‌دهد.

داستان‌های سالینجر مملو از آدم‌هایی است که زیاد می‌دانند و این دانستن هیچ ارتباطی به جایگاه اجتماعی یا سواد و تحصیلات آن‌ها ندارد. آن‌ها درک عمیق‌تری از زندگی دارند و به این دلیل هیچ چیزی مانند موفقیت، شهرت، لذت، سفر، خوشگذرانی، غذا و روزمرگی، آن‌ها را مجاب نمی‌کند که این زندگی، چیز باارزشی هم در خود دارد.

همه‌چیز این زندگی برای این آدم‌ها نفی شده است. درواقع سالینجر با نفی جهان مادی است که ارزش‌والای زیستن را برای ما روشن می‌کند، آن زمان که این‌همه دست‌وپا زدن برای موفقیت یا خوشبختی را کنار بسته و با همه کلیشه‌هایش به خانه آوردن، رنگ ببازد و تو به معنای واقعی، انسانی تنها شوی.

آدم‌های سالینجر نیاز به روان‌شناس ندارند، نیاز به مراجعه به تراپیست برای بازگرداندن آن‌ها به یک زندگی کاغذی و خوشبختی‌های قالبی و شبیه به‌هم ندارد که آدم‌ها می‌کوشند آن را هوار بکشند. آن‌ها به نظر من در یک کلمه «سوگوار» جهانند. جهان را درک می‌کنند و برای کسی که سوگوار جهان است، هیچ نسخه‌ای نمی‌توان پیچید.

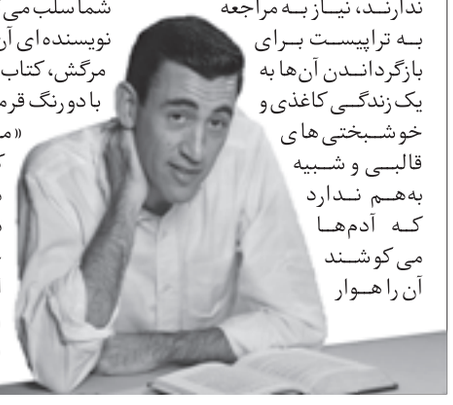

آن‌ها ممکن است از شنیدن یک صدا مغموم شوند، زیرا نمی‌توان معصومیت زندگی را دید اما کماکان خوشحال بود. درست به همین دلیل است که سالینجر می‌گوید: «تفاوت میان یک انسان بی‌تجربه و انسان مجرب در این است که اولی به هر بهانه‌ای خواهان مرگی شرافتمندانه است، اما دومی به‌خاطر هر چیز ساده‌ای، به‌فروتنی، زندگی را دوست می‌دارد».

در چنین نگاهی، آدم‌ها با رفتارهایشان قضاوت نمی‌شوند، بلکه در نظرگاه سالینجر، تو وقتی انسان هستی که یک آدم را به‌خاطر اینکه آدم زاده شده است، دوست داشته باشی.

غرابت موجود در سرشت آدم‌های سالینجر، آنجا اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم سلینجر در ۴۵ سال آخر زندگی‌اش به انزوا و سکوتی خودخواسته فرومی‌رود. او به «کورنیش» سرد که از شمال با کبک و از شرق با اقیانوس اطلس هم‌مرز است، می‌رود و آنجا در خانه شخصی خود بدون هیچ‌گونه مراوده‌ای با رسانه‌ها زندگی می‌کند، کاری را منتشر نمی‌کند، اما بسیار می‌نویسد؛ پیوسته و تا نودویک‌سالگی. برای که؟ برای «نوشتن»، برای روح نوشتن، نه برای فلان ناشر و فلان روزنامه.

او از مراوده رسانه‌ای حذر می‌کند و یک‌بار هم در نامه‌ای به نویسنده‌ای بسیار جوان (که بعدها، ۱۰ ماه با سالینجر زندگی مشترک کرد) اولین توصیه‌ای که به‌دنبال موفقیت ناگهانی دختر جوان می‌کند، این است که از گفت‌وگو با رسانه‌ها پرهیز کند. او نویسنده‌ای بود که فقط برای خودش می‌نوشت، برای لذت شخصی خودش و معتقد بود که چاپ کتاب، حریم شخصی شما را از شما سلب می‌کند.

نویسنده‌ای آن‌قدر دقیق که قبل از مرگش، کتاب‌های چاپ‌نشده‌اش را با دو رنگ قرمز و آبی برای دخترش «مارگارت» مشخص کرده بود. قرمزها می‌توانند باوجود نیمه تما می شا ن چاپ شوند و کاملند، اما آبی‌ها باید ویرایش و بازنویسی شوند.

کارتون شهر

رئیس شورای تأمین کنندگان دام زنده:
صادرات دام تا پایان سال ممنوع است.

فیروزه مظفری

همه‌گیری و فانتزی زندگی روستایی

هدی جاودانی / مترجم

ترجمان

چند هفته از قرنطینه‌های سراسر دنیا نگذشته بود که موج جالبی در اینستاگرام به راه افتاد. کاربران این شبکه اجتماعی روزبه‌روز تصاویر بیشتری از زندگی در طبیعت، کلبه‌های جنگلی یا روستایی، گل‌ها و درختان، پیاده‌روی در مسیرهای طبیعی بکر، گردش در طبیعت، پخت‌وپز نان، تهیه فراورده‌های غذایی و همچنین انواع بافتنی و دوخت‌ودوز به اشتراک گذاشتند؛ پدیده‌ای که اندکی فراواقعی به‌نظر می‌آمد و البته بیشتر به یک فانتزی شباهت داشت و باعث می‌شد ما از فضای ترسناک شیوع ویروس، اندکی فاصله بگیریم.

این سبک زندگی با هشتگ cottagecore، به معنای «زندگی روستایی»، موجی در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخت و به سال ۲۰۲۰ زیبایی چشمگیری بخشید. اصطلاح cottagecore که از دو واژه cottage به معنای کلبه و core به معنای هسته و مرکز تشکیل شده است، درواقع از سال ۲۰۱۰ و برای بازگشت به زندگی روستایی پدید آمد و نوعی خرده‌فرهنگ به حساب می‌آید. «زندگی روستایی» درواقع بازگشت به راه و روش زندگی دهقانان است و به خوداتکایی و دکورهای ساده و زیبا، آمیخته به حس نوستالژی، پیوند خورده است. با وجود اینکه این خرده‌فرهنگ بر سادگی زندگی روستایی تکیه کرده و برضد مدرنیته به وجود آمده است، بستر انتشار آن، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی‌ای مانند اینستاگرام، فیس‌بوک و پینترست و درواقع فضایی مدرن است. «زندگی روستایی» بر زندگی خارج از شهر، ساده و آهسته در خانه‌های روستایی تکیه دارد و جامعه‌ای را به نمایش می‌گذارد که به فضای گرم و دلنشین طبیعت، تهیه فراورده‌های خانگی و گذران وقت با حیوانات پیوند خورده است؛ چیزی شبیه به فضای زندگی آن‌شرلی، هایدی و دیگر فضاهای نوستالژیک دوران کودکی‌مان. کسانی که به اشاعه این فرهنگ در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازند، به مخاطبانشان، پیشنهادهایی برای سبک دکوراسیون خانه، تهیه محصولات غذایی مختلف و همچنین باغبانی و نگهداری از حیوانات می‌دهند. اما آیا نمایش اوقات تنهایی‌مان به شیوه‌ای رومانتیک و الهام‌بخش، باعث می‌شود که قرنطینه‌ها کمتر ترسناک به‌نظر برسند؟

یک کمپانی در اندونزی که با استفاده از هوش مصنوعی، رفتارهای انسانی را تحلیل می‌کند، حدود ۳۰۰ پست اینستاگرامی با هشتگ «زندگی روستایی» را بررسی و نتیجه‌گیری کرده است بیشترین حسی که افراد با مشاهده این سبک محتوا تجربه کرده‌اند، در وهله اول خلاقیت (با ۲۸ درصد)، سپس عطوفت یا مهربانی (با ۱۹ درصد) و درنهایت، تنهایی (با ۱۰ درصد) بوده است. این شرکت همچنین ۱/۵ میلیون جست‌وجو در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ را در چندین شبکه اجتماعی بررسی کرده و متوجه شده است که جست‌وجو برای جوانب مختلف این سبک زندگی، حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. تحلیلگران این پژوهش هوش مصنوعی می‌گویند که با تمام شدن قرنطینه‌ها و جریان گرفتن زندگی عادی در بسیاری از کشورها، در میان مردم جهان حس مشترکی از امید و خوش‌بینی شکل گرفته است و افراد بسیاری به زندگی در مناطقی که کمتر رنگ‌وبوی شهری داشته است، گرایش پیدا کرده‌اند. به‌عبارت دیگر، مردم جهان با تجربه ویروس کرونا، تمایل پیدا کرده‌اند که یک قدم به عقب بازگردند و از زندگی مدرن شهری فاصله بگیرند.

باوجود اینکه مفهوم «زندگی روستایی» به‌تازگی در شبکه‌های اجتماعی رواج پیدا کرده است، این سبک زندگی پیش از این نیز در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی سابقه داشته است. به‌نظر همه‌گیری ویروس، دوباره مردم را با ارزش محصولات خانگی و زندگی در طبیعت، آشنا ساخته است. پدیده‌ای که تا پیش از شیوع ویروس، ممکن بود حتی به ذهن بسیاری خطور نکند. همه‌گیری به ما یادآوری کرد که دوست داریم آهسته‌تر زندگی کنیم، بیشتر به یکدیگر پیوند بخوریم و تجربه‌های معنادارتری را از سر بگذرانیم.

***برگرفته از مقاله 'Cottagecore and the rise of the modern rural fantasy' نوشته Anita Rao Kashi**

۱۶ دی و ادای دین خون دانشجویان به وطن

نگاه هشتم

غلامرضا بنی اسدی

۱۶ آذر را به نام دانشجو در تقویم جاودانه کرده‌ایم به حرمت خون پاک سه دانشجو که هزینه بیداری مردم شدند. سهم دانشجو از تقویم فقط همین یک ۱۶ نیست، بلکه ۱۶ دی‌ماه را هم باید به نام مبارک دانشجو نوشت؛ روزی که غریبانه‌ترین کربلا در دشت هویزه رقم خورد و عاشورائیان این روز، دانشجویان پیرو خط امام بودند که به فرماندهی حسین علم‌الهدی، در رزمی بی‌امان، پرچم شهادت برافراشتند. قصه آنان، حکایت غیرت بود و غربت. تاریخ نوشت در عملیاتی در منطقه هویزه، علم‌الهدی به‌عنوان فرمانده سپاه هویزه و یارانش اعم از پاسداران و دانشجویان پیرو خط امام موفق عمل می‌کنند، به‌طوری که در مدت پنج ساعت از شروع عملیات، ۲۰ کیلومتر از اراضی اشغالی را آزاد و چندهزار عراقی را اسیر می‌کنند. پس از پاتک عراق، فرماندهی ارتش به نیروهای زرهی دستور عقب‌نشینی می‌دهد، اما این دستور به بعضی واحدها از جمله علم‌الهدی و ۶۰ تن از یارانش -باوجود داشتن بی‌سیم- ابلاغ نمی‌شود و آن‌ها بی‌خبر از عقب‌نشینی، پس از انهدام تعداد زیادی از تانک‌های عراقی، در رزمی پرشکوه، همه‌شان به شهادت می‌رسند و صحنه عصر عاشورا دوباره تکرار می‌شود. عراقی‌ها با تانک از روی اجساد شهدا گذشتند و سبعیت یزیدی خود را نشان دادند. شهید سیدمحمود سیدی‌علوی هم نماینده مشهد بود در این کربلای مکرر؛ دانشجوی نخبه‌ای که دانشگاه «اوکلاهامای» آمریکا را رها کرد و خود را به جبهه رساند تا درس معرفت بیاموزد. سرانجام هم ممتاز شد به امتیاز شهادت که خداوند روزی‌اش فرمود. چه خوب است این روز را به یاد دانشجویان شهید حماسه دفاع از وطن، در تقویم ثبت و در نگاهمان جاری کنیم. این کار می‌تواند ادای دینی باشد به شهیدانی که در برابر وطن، «دین خون» ادا کردند.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

با سلام، به پیوست، تصویر درخواست آقای مرادی ایفاد می‌گردد...

نکته

در نامه‌نگاری‌ها با کنار گذاشتن کلیشه‌نویسی، روان و ساده و همه‌فهم بنویسیم:

با سلام، به پیوست، تصویر درخواست آقای مرادی تقدیم می‌شود (می‌گردد) ...

با سلام، به پیوست، تصویر درخواست آقای مرادی فرستاده می‌شود ...

با سلام، به پیوست، تصویر درخواست آقای مرادی ارسال می‌شود (می‌گردد) ...

#زین_قند_پارسی

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید

تاریخ‌نگار

۱۶ دی ۱۳۵۷

بروز نخستین شکاف در کابینه بختیار

رضا سلیمان نوری

تلاش‌های مردم برای به ثمر رساندن انقلاب اسلامی در نیمه دوم آذر ۱۳۵۷ به‌گونه‌ای پیش رفت که پهلوی دوم مجبور شد از دولت نظامی ازهاری، دل بکند و به‌دنبال نخست‌وزیری باشد که با خروجش از ایران در شرایطی پذیرفتنی و محرمانه، موافقت کند؛ به همین منظور ابتدا با احمد بنی‌احمد و کریم سنجابی، دیدار و از آن‌ها درخواست پذیرش نخست‌وزیری را کرد.

سنجابی با استناد به خودداری شاه از کناره‌گیری از سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح، حاضر به پذیرش این سمت نشد. پهلوی دوم سپس با مظفربقایی و غلامحسین صدیقی دیدار کرد و به آنان پیشنهاد در دست گرفتن حکومت را داد اما هریک از آنان نیز به‌دلایلی از پذیرفتن حکومت سر باز زدند. پیشنهاد نخست‌وزیری شاه به صدیقی و بقایی به این دلیل شکست خورد که هر دوی آنان، پذیرش پیشنهاد او را به ماندنش در ایران و نه در تهران، مشروط کرده بودند. اما شاپور بختیار که از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی بود، با مطرح کردن هفت شرط ازجمله خروج شاه از کشور، دادن تعهد مبنی بر سلطنت کردن نه حکومت کردن، انتخاب وزرا توسط خودش، انحلال ساواک و آزادی زندانیان سیاسی، پذیرفت که ریاست یک دولت غیرنظامی را برعهده گیرد.

پهلوی دوم هم که به‌دنبال خروج از این مخمصه بود، با پذیرفتن همه شرایط، وی را به نخست‌وزیری منصوب کرد. شاپور بختیار در شانزدهم دی ۱۳۵۷، با معرفی اعضای کابینه خود، قدرت را به‌طور رسمی در دست گرفت. وی پس از معرفی وزیران خود به مجلس شورای ملی، موضوعاتی چون انحلال ساواک، محاکمه سریع غارتگران، رسیدگی به کارهای خلاف گذشته، آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو تدریجی حکومت نظامی، ایجاد همکاری نزدیک بین دولت و حوزه‌های علمیه و روحانیان و سرانجام ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون را به‌عنوان رئوس برنامه‌های دولتش اعلام کرد.

ولی تلاش او و در همان ابتدای راه با شکست روبه‌رو شد، زیرا حضرت امام خمینی (ره) ۱۶ دی در پیامی به ملت ایران فرمودند: «من به عموم ملت دلیر ایران اعلام می‌کنم که رژیم سلطنتی، غیرقانونی و مجلسین، غیرملی و غیرقانونی و حکومت غاصب، غیرقانونی و یاغی است. اینک چند مطلب را لازم می‌دانم تذکر دهم: کارمندان وزارتخانه‌ها، وزرای فاسد غیرقانونی را نپذیرند و از آنان اطاعت نکنند و درصورت قدرت، به وزارتخانه‌ها راه ندهند. ملت از دادن مالیات به‌طور مطلق و از دادن پول آب و برق و تلفن خودداری کنند و از آنچه اعانت به دولت است، احتراز کنند».

از فردای آن روز و به‌منظور اجرای دستور رهبر نهضت اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، بعضی وزارتخانه‌ها، وزرای جدید را به وزارتخانه راه ندادند و راهپیمایی‌ها نیز ادامه یافت. همین دستور رهبر نهضت، باعث شد که نخستین شکاف در کابینه بختیار در ۱۷ دی‌ماه رخ دهد و یحیی صادق‌وزیری که به‌عنوان وزیر دادگستری معرفی شده بود، از این سمت استعفا کند.

جبهه ملی هم در همین روز، جلسه فوق‌العاده شورای مرکزی خود را برگزار کرد و بختیار را از این مجموعه اخراج کرد تا بدین‌گونه وی پشتوانه سیاسی خود را هم از دست بدهد. البته شاپور بختیار با وجود همه این مسائل، پست نخست‌وزیری را رها نکرد تا اینکه پنج هفته بعد در ۲۲ بهمن، دولتش به‌صورت کامل، سرنگون و حکومتی که برای حفظ آن تلاش می‌کرد، نابود شد.

کیوسک

فایننشال تایمز

با انتشار موج جدید کرونا در دنیا، کشورهای مختلف، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را برای مقابله با این ویروس وضع کرده‌اند. «فایننشال تایمز» نیز در مطلبی به این موضوع پرداخته و در تیتر نخست خود، نوشته است: «کشورهای اروپایی بعد از موج جدید کرونا، قصد گسترش محدودیت‌ها را دارند.»

لوپاریزین

انتشار گونه جدید کووید۱۹ که قدرت انتشار بیشتری نسبت‌به گونه قبلی دارد، برای اولین‌بار از انگلستان آغاز شد. پس از آن بود که سوالاتی درباره تأثیرگذاری واکسن‌های موجود بر گونه جدید و... مطرح شد. اما در تحقیقات جدید، دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که این گونه کووید۱۹ باعث ابتلای بیشتر قشر خاصی می‌شود. روزنامه «لوپاریزین» نیز در این‌باره نوشته است: «گونه انگلیسی، ویروسی مسری‌تر میان جوانان.»

تایمز

در شرایطی که کرونا تیتر نخست همه رسانه‌های دنیا را به خود اختصاص داده است، روزنامه «تایمز» نیز در گزارشی، به تشریح وضعیت وخیم بریتانیا پرداخته و نوشته است: «نخست‌وزیر هشدار می‌دهد: آماده‌باش برای مقابله با موج جدید کرونا.» طبق گزارش این روزنامه، قرار است مدارس مناطق بیشتری از این کشور تعطیل شود.